

تأثیر جهانی شدن بر عدالت اجتماعی با تأکید بر عدالت فضایی

دکتر اصغر ضرابی*

بهنام معانی رحیمی**

چکیده:

مقوله جهانی شدن چندی است که به گونه گسترده و جنجال برانگیز چه در مجامع علمی و چه در مجامع غیر علمی مطرح شده و جامعه امروز را با چالشی بزرگ روبرو کرده است. موافقان و مخالفان این پدیده هر کدام از زوایایی ویژه به تحلیل این مسأله پرداخته‌اند و بارها چه در کشورهای شمال و چه در کشورهای جنوب، نابرابریهایی که این پدیده به بار آورده، سبب شورش‌هایی گشته است. آنچه در این میان اهمیت دارد این است که جوامع، خواسته یا ناخواسته در این رهگذر قرار گرفته‌اند یا خواهند گرفت. از این رو به نظر می‌رسد که ایستادگی در برابر آن نه تنها منطقی نیست بلکه ناممکن می‌نماید. بنابراین رویکرد منطقی آنست که هر جامعه بر پایه مقتضیات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خود با این پدیده هماهنگ شود و بکوشد آسیب‌های آنرا به کمترین اندازه برساند و از مزایای آن هر چه بیشتر بهره گیرد.

بر همین پایه، در این نوشتار با توجه به آمارهای مرتبط و با تحلیل نظر موافقان و مخالفان پدیده جهانی شدن، به تأثیر این پدیده بر عدالت اجتماعی، بویژه بر قشر بندی‌های مکانی که مهمترین رسالت جغرافیدانان امروز و مهمترین کانون جغرافیای تازه است پرداخته شده و در پایان، دستاوردها مورد تحلیل قرار گرفته است.

پیشگفتار

به سرعت از کشورهای انگلیسی زبان به کشورهای دیگر راه یافته و به گونه گسترده کاربرد پیدا کرده است. کاربردهای گوناگون این اصطلاح هاله‌یی از ابهام در رابطه با شرایط و معنای آن پدید آورده است. (مانتلاز، ۱۳۸۳: ۱۳۶)

از پدیده جهانی شدن تعریف‌های گوناگون شده است مانند فشردگی زمان و فضا، فراسوی مدرنیته، غربی شدن،

جهانی شدن یکی از اصطلاحاتی است که دست کم در دو دهه گذشته سخت رواج یافته و از سوی اندیشمندان در زمینه علوم انسانی و اجتماعی و حتی مردمان عادی در کشورهای صنعتی به کار گرفته شده است. این اصطلاح

* دانشیار دانشگاه اصفهان

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشگاه اصفهان

نه به صرف وجود روابط بلکه در گسترش چشمگیر این روابط معنا می‌کنند این فرایندها را پدیده‌ای تازه و دست بالا مربوط به سه چهار دهه اخیر می‌دانند و پیشینه‌ای بیش از این برای آن قائل نیستند. (فصیحی، ۱۳۸۱: ۲۵) این يك واقعیت است که تا دهه ۱۹۶۰ به علت محدودیت‌های سخت، فراگیر نبودن تکنولوژی‌های پیشرفته بویژه در زمینه ترابری و ارتباطات و شرایط ویژه حاکم بر جهان هنوز جابه‌جایی کالاها، خدمات و انسانها و نشر عقاید و اندیشه‌ها به گونه گسترده عملی نبوده است (Scholte, 2000:65)

با گسترش و پیشرفت تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات این فرایند وارد مرحله تازه‌ای شده که با توجه به اهمیت آن، در این نوشتار تأثیر جهانی شدن بر عدالت مکانی بر پایه برخی نظریات معتبر و آمارهای گوناگون بررسی شده است.

موافقان و مخالفان جهانی شدن:

چنان که گفته شد، پدیده جهانی شدن بحث‌های بسیار برانگیخته و به یکی از مقولات مناقشه برانگیز میان اندیشمندان در سطح جهان تبدیل شده است. موافقان و مخالفان این پدیده از زوایای ویژه و با نگاهی متفاوت به تحلیل این پدیده می‌پردازند. این پدیده چه در کشورهای شمال و چه در کشورهای جنوب با اعتراضها و شورش‌هایی روبه‌رو بوده است.

موافقان جهانی شدن از پیدایش نظم تازه جهانی استقبال می‌کنند و بر این باورند که جهانی شدن برای انسان خوشبختی، افزایش سطح و بهبود کیفیت زندگی، فرصت‌های بیشتر کار، دسترسی گسترده و آزاد به اطلاعات

● یکی از مقولات مهم و ارزشمند در جغرافیای تازه، عدالت اجتماعی است به گونه‌ای که سه تن از جغرافیدانان برجسته معاصر یعنی جانستون، کوتس و ناکس بررسی نابرابریهای فضایی را کانون جغرافیای نو دانسته‌اند.

دوران پسا صنعتی، عصر اطلاعات، جامعه پس از سرمایه‌داری، دوران پسا ملی، فروپاشی جهان و قلمروزدایی و... (آرت شولت، ۱۳۸۲: ۱۰) گیدنز نیز جهانی شدن را چنین می‌کند: فرایند به هم وابستگی روزافزون زمان ما. (هال، ۱۳۸۳: ۳۷)

از سویی، یکی از مقولات مهم و ارزشمند در جغرافیای تازه، عدالت اجتماعی است به گونه‌ای که سه تن از جغرافیدانان برجسته معاصر یعنی جانستون، کوتس و ناکس بررسی نابرابریهای فضایی را کانون جغرافیای نو دانسته‌اند. (شکویی، ۱۳۸۲: ۲۷۷) از سوی دیگر، محوری‌ترین شعار دولت کنونی، عدالت اجتماعی است؛ مقوله‌ای که با نئولیبرالیسم، تحکیم سرمایه‌داری انگلیسی و آمریکایی، حاکمیت بازار و تکنولوژی و... بیش از پیش به حاشیه رانده شده و در نتیجه، فقر خانمانسوز و نابرابری‌های گسترده از جمله نابرابریهای فضایی (شمال- جنوب، شهر- روستا، منطقه با منطقه) و... به بار آمده است.

آنچه در این میان اهمیت دارد این است که امنیت انسان با مسائل مربوط به عدالت اجتماعی پیوند نزدیک دارد. اگر در جامعه‌ای عدالت نباشد، بعید است که در آن صلح، پاسداری کافی از محیط زیست، ریشه‌کنی فقر، حمایت از کار، رشد آزاد هویت و دانش تحقق یابد. از سوی دیگر اگر مردمان احساس امنیت نکنند، دشوار است که از مزایا و امتیازهای اجتماعی ناعادلانه‌ای که دارند چشم‌پوشند. (آرت شولت، ۱۳۸۲: ۲۹۱) به گفته اندیشمند بزرگ در زمینه آثار شیسیم و جغرافیدان عدالت خواه پترو کروپوتکین «بلون مساوات، عدالت و بدون عدالت، صلحی وجود نخواهد داشت».

(شکویی، ۱۳۸۳: ۸۸)

کسانی بر این باورند که جهانی شدن یا فرایند وابستگی روزافزون از صدها سال پیش آغاز شده که با پیچیدگی‌های فرهنگی و اجتماعی بسیار رو به‌رو بوده است اما به تازگی شتابی ناگهانی در آن پدید آمده است. برخی نیز باورها و اندیشه‌های جهانشمول را خاستگاه و سرچشمه جهانی شدن دانسته و آن را به سده پنجم یا ششم پیش از میلاد نسبت داده‌اند. بر سر هم، پیش از سده ۱۹، جهانی شدن تنها در اذهان جای داشته و از نیمه دوم سده ۱۹ بوده است که از قالب اندیشه و پندار بیرون آمده و رفته رفته گونه‌های علمی پررنگ شده است. اما بیشتر پژوهشگران که جهانی شدن را

انسانی وجود ندارد. روز به روز بر شمار مخالفان افزوده می‌شود. آنان بر این نکته تأکید می‌کنند که قدرت بورس‌بازان، اقتصاد جهانی را بی‌ثبات و غیر عادلانه‌تر کرده و به گسترش شکاف طبقاتی و اجتماعی دامن زده و فاصله کشورهای شمال و جنوب را افزایش داده است. (هال، ۱۳۸۲، ۲۰۱)

آنچه روشن است این است که جهانی شدن نه تنها راه عمومی برای همه جهانیان به ارمغان نیاورده، بلکه ثابت شده است که این روند بینوایان را بینواتر می‌کند و شکاف میان توانگران و تهیدستان را چه در محدوده جامعه و چه در سطح جهان پیوسته افزایش می‌دهد. جهانی شدن ثولیبیرالی نه تنها ناامنی اقتصادی و نابرابری اجتماعی را تشدید می‌کند، که با فراهم آوردن زمینه‌های نظامی‌گری، صلح و امنیت جهانی را به مخاطره انداخته است. نمونه عینی آن، حرکت‌های اخیر آمریکا و همپیمانانش در راستای یکپارچه‌سازی جامعه جهانی است که با وجود اعتراضات فراوان، از یورش به افغانستان آغاز و دامنه آن به عراق کشیده شده و گذشته از کشتار هزاران تن، سبب تخریب محیط زیست انسانی، گسترش فقر و ناامنی‌های گسترده شده است. تأثیر این پدیده بر نابرابری‌های فضایی در دو مقوله افزایش نابرابریها میان کشورهای شمال و جنوب، افزایش نابرابریها در درون کشورها (نابرابریها میان مناطق گوناگون و همچنین نابرابریها میان شهر و روستا) در زیر بررسی شده است.

تأثیر جهانی شدن در افزایش نابرابریها

شمال و جنوب:

بسیاری از پژوهشها نشان داده است که جهانی شدن بر افزایش نابرابریها چه در درون جوامع و چه در میان کشورها مؤثر است. نتیجه این پژوهشها گویای آن است که پدیده جهانی شدن، نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در جهان گسترش داده است.

برای گزارش توسعه انسانی سازمان ملل (UNPD) در ۱۹۶۰ میلادی، سهم درآمد ۲۰ درصد ثروتمندترین مردمان در جهان از درآمد جهانی، نزدیک به ۳۰ برابر بیشتر از سهم درآمد ۲۰ درصد فقیرترین مردمان بوده است. این نسبت در سه دهه بعد همواره رو به افزایش داشته به گونه‌ای که در

● امنیت انسان با مسائل مربوط به عدالت اجتماعی پیوند نزدیک دارد. اگر در جامعه‌ای عدالت نباشد، بعید است که در آن صلح، پاسداری کافی از محیط زیست، ریشه کنی فقر، حمایت از کار، رشد آزاد هویت و دانش تحقق یابد. از سوی دیگر اگر مردمان احساس امنیت نکنند، دشوار است که از مزایا و امتیازهای اجتماعی ناعادلانه‌ای که دارند چشم‌پوشند. به گفته اندیشمندان بزرگ در زمینه آثار شیسم و جغرافیای عدالت خواه، پترو کروپوتکین، «بی‌برابری، عدالت و بی‌عدالت، صلحی وجود نخواهد داشت».

و افزایش شناخت متقابل فرهنگها و تمدنهای گوناگون از یکدیگر را به ارمغان می‌آورد و آن را به معنای از میان برداشته شدن موانع دولتی، نژادی و فرهنگی در راه جابه‌جایی کالاها و سرانجام از میان رفتن تناقضات اجتماعی و رسیدن به صلح و امنیت جهانی می‌شناسند. فشرده سخن اینکه معتقدند جهان خانه مشترک همه ماست؛ پس کمونیزمی جهانی مورد نیاز است که بر پایه اصولی متفاوت یعنی اصول بازار، استوار باشد. (هال، ۱۳۸۲: ۲۰۰)

در این راستا، گیدنز جهانی شدن را فرایندی برابر ساز در جهان دستخوش نابرابری می‌داند و بر این باور است که حتی جنبش ضد جهانی شدن نیز از پیامدهای جهانی شدن است و خود به عدالت اجتماعی کمک می‌کند و جهانی شدن به گروهها و ملت‌های ضعیف این توانمندی را می‌دهد که اهداف خود را بهتری گیرند. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۱۲)

از سوی دیگر مخالفان جهانی شدن، آن را توطئه‌ای جهانی برای حاکم کردن قانون جنگل می‌شناسند که در آن جایی برای فرهنگها، ارزشها و آرمانهای معنوی نژادهای

آراء را در اختیار دارند. (آرت شولت، ۱۳۸۲: ۳۰۴)

سرعت گرفتن پدیده جهانی شدن پس از دهه ۱۹۸۰، پیامدهای ناخوشایندی در زمینه توزیع امکانات و ثروت در میان مناطق و کشورها داشته است. شهروندان کشورهای پیشرفته از مزایا و فواید جهانی شدن بیش از مردمان در کشورهای رو به توسعه بهره‌مند شده‌اند و اعتراضاتی که به این پدیده شده است در عمل نتیجه چندانی به بار نیآورده است. سلسله مراتب سنتی و ریشه‌داری که در سطح جهان وجود دارد، تاکنون مزایا و زیانهای جهانی شدن را به گونه‌ای نامتناسب به کشورهای شمال سرزیر کرده است. در الگوی سلسله مراتب جهانی، مازاد محصولات از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و از شهرهای بزرگ به شهرهای میانی سرزیر می‌شود و روشن است که در این سلسله مراتب کشورهای شمال بیش از کشورهای جنوب بهره‌مند می‌شوند.

تأثیر جهانی شدن

بر افزایش نابرابریها در کشورها:

به نظر می‌رسد که رشد فزاینده بی‌عدالتی‌ها و تبعیضها تنها در میان کشورهای شمال و جنوب نمود نمی‌یابد بلکه

● مخالفان جهانی شدن، آن را توطئه‌ای جهانی برای حاکم کردن قانون جنگل می‌شناسند که در آن جایی برای فرهنگها، ارزشها و آرمانهای معنوی نژادهای انسانی وجود ندارد. آنان بر این نکته تأکید می‌کنند که قدرت بورس‌بازان، اقتصاد جهانی را بی‌ثبات و غیر عادلانه‌تر کرده و به گسترش شکاف طبقاتی و اجتماعی دامن زده و فاصله کشورهای شمال و جنوب را افزایش داده است.

۱۹۹۰ میلادی به ۶۰ برابر رسیده است. (باقریان، ۱۳۸۲: ۲۹) گفتنی است که شمار تلفن‌های مانهاتان به تنهایی بیش از همه تلفن‌های موجود در جنوب آفریقا بوده است. (کیلی، ۱۳۸۰: ۱۴) بر پایه بررسیهای توماس و ویلکلن ۲۳ درصد جمعیت جهان که در کشورهای شمال به سر می‌برند، از ۸۵ درصد درآمد جهانی برخوردارند در حالی که ۷۷ درصد جمعیت کشورهای جنوب تنها ۱۵ درصد درآمد جهانی را در اختیار دارند. از ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ سهم جمعیت فقیر از درآمد جهانی کاهش یافته در حالی که سهم جمعیت ثروتمند بالا رفته است. (فصیحی، ۱۳۸۱: ۱۹۴) گرچه شماری از کشورهای جهان سوم با سود بردن از روند جهانی شدن در جهت صنعتی شدن و رونق بخشیدن به بازرگانی خود پیشرفت چشمگیر کرده‌اند، اما فاصله و شکاف عمومی میان کشورهای کانونی و پیرامونی گسترده‌تر شده است. (سوییزی، ۱۳۸۰: ۷۳) بر پایه پژوهشهای برآرد و کاوانا از دهه ۱۹۸۰ شکاف اقتصادی میان کشورهای شمال و جنوب ژرف‌تر شده است. در ۱۹۶۰ سرانه تولید ناخالص داخلی در کشورهای جنوب، ۱۸ درصد میانگین تولید ناخالص داخلی در کشورهای شمال بود که در ۱۹۹۰ اندکی آفت کرد و به ۱۷ درصد رسید. در این مدت شکاف اقتصادی میان شمال و جنوب برای بیش از ۱۰۰ کشور افزایش یافت. در ۱۹۶۵ میانگین درآمد در هفت کشور بزرگ صنعتی جهان نزدیک به ۲۰ برابر میانگین درآمد در ۷ کشور از فقیرترین کشورها بود که این نسبت در ۱۹۹۵ به ۳۹/۵ برابر رسید. (مردانی گیوی، ۱۳۸۰: ۶۴)

اکنون میانگین درآمد سرانه در ۲۰ کشور ثروتمند جهان ۳۵ برابر میانگین درآمد سرانه ۲۰ کشور فقیر جهان است و این شکاف در ۴۰ سال گذشته دو برابر شده است. شمار تهدستان نیز در سالهای ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۸ به بیش از ۲۰ برابر افزایش یافته است. در نظام جهانی، بویژه در زمینه اقتصادی، دسترسی نابرابر به سود کشورهای شمال و به زیان کشورهای جنوب تمام شده است. برای نمونه، دولتهای عضو گروه هفت امروزه کنترل بیش از ۴۵ درصد آرای هیأت اجرایی صندوق بین‌المللی پول را در دست دارند در حالی که ۴۳ دولت آفریقایی بر سر هم کمتر از ۵ درصد

که سود آن بیشتر به بازرگانان رسیده است تا کشاورزان. (همان: ۱۷)

پژوهشهای گوناگون در گوشه و کنار جهان مانند جنوب خاوری آسیا، برزیل، لهستان، هند، چین، شیلی، کره جنوبی، ترکیه و... گویای نابرابریهای فزاینده بوده و شکاف اقتصادی میان طبقات گوناگون و بویژه شهرنشینان و روستانشینان را افزایش داده است. (فصیحی، ۱۳۸۱: ۱۹۵) برای نمونه، در آرژانتین، استان چوبوت بسیار فقیرتر از استان بوینوس آیرس است؛ در ایالت بیهار هندوستان، سطح فقر بالاتر از کرالاست، یا اینکه مناطق جنوب خاوری انگلستان ثروتمندتر از مناطق شمال خاوری آن کشور است (آرت شولت، ۱۳۸۲: ۳۰۲) همچنین، بدتر شدن وضع زندگی تنهامربوط به تهیدستترین کشورهای جهان نیست. نزدیک به ۳۰ درصد آمریکاییان و ۲۰ درصد مردمان در کشورهای عضو اتحادیه اروپا با درآمدی کمتر از ۲۰ سال پیش زندگی می کنند. در سراسر جهان، در برابر این گونه های تازه نابرابری ایستادگی هایی نشان داده می شود. (هایت، ۱۳۸۳: ۱۷) در زیر به بررسی افزایش نابرابری در درون کشورهای از دو بُعد شهری-روستایی و منطقه ای می پردازیم.

الف: افزایش نابرابریهای شهری-روستایی

مایکل لیبتون بر آن است که امروزه در کشورهای فقیر جهان بر خورد طبقاتی نه میان نیروی سرمایه و کار و نه میان منافع خارجی و منافع ملی، بلکه میان طبقات روستایی و شهری است. (شکویی، ۱۳۷۷: ۳۱۳) گرچه این گفته تا اندازه ای مبهم می نماید ولی آنچه روشن است این است که آشفتگی ها و نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان شهرنشینان و روستانشینان جهان، بسیار گسترده و دامنه دار است. کشورها بسته به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، برنامه ریزی های گوناگونی برای پیشبرد اهداف خود دارند که از آن میان می توان از برنامه ریزی عدالت خواه، دموکراتیک، سنتی و... یاد کرد. کشورهای جهان سوم بر سرهم از برنامه ریزی سنتی بهره می گیرند. در این برنامه ریزی بیشتر اعتبارات به پروژه های بلندپروازانه ای اختصاص

در درون کشورها چه کشورهای شمال و چه کشورهای جنوب و میان مناطق و نواحی گوناگون آنها رو به فزونی است. ناآرامیهای گسترده اخیر در فرانسه که در نوع خود بی سابقه بوده این نکته را به خوبی روشن ساخت که این گونه نابرابریها به کشورهای جهان سوم محدود نمی شود بلکه در میان کشورهای پیشرفته و صنعتی جهان نیز چنین بی عدالتی هایی وجود دارد به گونه ای که بسیاری از شهروندان این کشورها از دید اقتصادی-اجتماعی وضعی نابسامان دارند. رویدادهای تروریستی در چنین کشورهایی گویای تبعیض و بی عدالتی میان مناطق یا طبقات گوناگون در این جوامع است.

بر این پایه، جهانی شدن عبارت از فرایندی از نابرابری ها، با توزیع نابرابر سودها و زیانهاست که این نابرابری و نبود توازن، به قطب بندی کشورهای ثروتمند و کشورهای فقیر از یک سو و گروه های ثروتمند و فقیر در درون جوامع از سوی دیگر انجامیده است. (خور، ۱۳۸۳: ۱۵)

بر پایه گزارشهای تجارت و توسعه سازمان ملل در ۱۹۹۷، روندهای نابرابری، از پیدایش نیروهای برخاسته از آزادسازی شتابان مایه می گیرد. این روندها عبارت است از: - نابرابری فزاینده دستمزدها چه در شمال و چه در جنوب میان کارگران ماهر و غیر ماهر؛

- سود بالای نیروی سرمایه در سنجش با نیروی کار؛
- پیدایش یک طبقه رانت خوار در سایه آزادسازی مالی؛
- منافع ناشی از آزادسازی بهای فرآورده های کشاورزی

● بسیاری از پژوهشها نشان داده است که جهانی شدن بر افزایش نابرابریها چه در درون جوامع و چه در میان کشورها مؤثر است. نتیجه این پژوهشها گویای آن است که پدیده جهانی شدن، نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در جهان گسترش داده است.

● رشد فزاینده بی عدالتی ها و تبعیضها تنها در میان کشورهای شمال و جنوب نمود نمی یابد بلکه در درون کشورهای جنوب و شمال و چه کشورهای جنوب و میان مناطق و نواحی گوناگون آنها رو به فزونی است.

بیشتر از باختر زمین گرفته شده و یکی از آنها، تئوری قطب رشد بوده است. پیروان این تئوری بر آن بودند که اگر در يك نقطه (بیشتر شهرهای بزرگ) سرمایه گذاری صورت گیرد سود این سرمایه گذاری رفته رفته به مناطق پیرامون هم می رسد و زمینه ساز توسعه منطقه ای خواهد شد. ولی این تئوری در کشورهای جهان سوم در عمل با موفقیت همراه نبوده است، چرا که موانع اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی در کشورهای جهان سوم به اندازه ای است که این مقوله را با مشکل روبه رو کرده و نه تنها موجب رونق گرفتن مناطق پیرامون نشده بلکه به مهاجرت های گسترده از مناطق پیرامون به نقطه ای که در آن سرمایه گذاری شده انجامیده و توسعه نامتوازن منطقه ای به بار آورده است.

البته این نابرابریها میان مناطق به کشورهای جهان سوم محدود نمی شود و در کشورهای توسعه یافته هم به گونه های دیگری وجود دارد. برای نمونه، دولت در کشورهای توسعه یافته به مناطقی که اقلیت های تزدادی یا قومی در آن ساکن هستند توجه کمتری نشان داده و همین، آشفتگی ها در مناطق و درگیری میان آنها را افزایش داده است؛ جنوب خاوری انگلستان بسیار پیشرفته تر از شمال خاوری آن کشور است و دولت کارگری بلر با انگشت گذاشتن بر همین نکته و با شعارهایی در پشتیبانی از نواحی شمالی انگلستان توانست به قدرت دست یابد. این نکته در مورد ایران هم بعنوان یکی از کشورهای جهان سوم راست می آید و میان مناطق گوناگون آن تفاوت های بسیار به چشم می خورد؛ در صورتی که در گذشته نه چندان دور این نابرابریها به گونه

می یابد که به علت نیاز به آستانه جمعیتی، در مراکز بزرگ و شهرها اجرا می شود؛ پروژه هایی که از منافع آن شهرنشینان بیش از روستائینان بهره مند می شوند، یا اینکه الگویی که در بیشتر کشورهای جهان سوم مطرح است الگوی توسعه متمرکز یا از بالا به پایین است که باعث توسعه شهرها و نادیده گرفتن بخش های روستایی گشته است.

در مورد برتری شهرها بر روستاها در دوران کنونی جهانی شدن، باید گفت که جوامع روستایی در سنجش با مراکز شهری بیشتر نادیده گرفته شده اند و در شرایطی که کشورهای تازه صنعتی شده از مزایای تولید و بازارهای جهانی برای توسعه بهره مند شده اند شهرهای آنها بیشترین منافع را برده اند در حالی که بیشتر نواحی روستایی، تهیدست و دست نخورده مانده اند. در همه کشورهای شمال و جنوب ارتباطات جهانی، بازارهای جهانی سرمایه و سازمانهای جهانی از پایتختها بعنوان گذرگاه اصلی بهره می گیرند. (آرت شولت، ۱۳۸۲: ۳۲۰)

آنچه اهمیت دارد این است که با پیشرفت تکنولوژی حمل و نقل و ارتباطات، نابرابریهای شهری-روستایی یا منطقه ای در کشورهای توسعه یافته کاهش یافته است، ولی در کشورهای جهان سوم وضع به گونه ای دیگر است و نابرابریهای منطقه ای و شهری-روستایی بسیار روشن و آشکار است. بر سر هم می توان گفت که جهانی شدن کنونی با ویژگی برجسته شهرگرایی، به بیشتر نادیده گرفته شدن مناطق روستایی انجامیده است. برای نمونه، با افزایش چشمگیر شمار شهرنشینان، دولتها همواره ناگزیر بوده اند برای به دست آوردن رضایت این جمعیت انبوه، بهای فرآورده های کشاورزی را پایین نگه دارند و با اینکه بهای بیشتر خدمات و تولیدات رشد تصاعدی داشته، بهای فرآورده های کشاورزی چندان افزایش نیافته و از این رو شکاف گسترده درآمدی میان شهرنشینان و روستائینان پدید آمده است.

ب: افزایش نابرابریها میان مناطق:

در چند دهه گذشته کشورهای جهان سوم در برنامه ریزیهای منطقه ای از تئوریهایی پیروی کرده اند که

درون مناطق نیز مراکز استانها از وضع بهتری نسبت به نقاط پیرامونشان برخوردار گشته‌اند.

نتیجه گیری:

جهانی شدن آثار گسترده‌ای بر نابرابری گوناگون از جمله نابرابریهای شمال - جنوب، منطقه‌ای، شهری - روستایی و... گذاشته است. نتایج مطالعات پژوهشگران در جوامع گوناگون گویای آن است که به موازات جهانی شدن، توزیع درآمد ناعادلانه‌تر شده و در سطح بین‌المللی نیز به افزایش شکاف اقتصادی میان کشورها انجامیده است.

آنچه اهمیت دارد این است که جهانی شدن خود به خود زیان آور نیست اما شیوه‌هایی که برای تحقق آن به کار گرفته می‌شود، مشکلاتی به بار می‌آورد. برای نمونه، گرایش شدید به نئولیبرالیسم و اقتصاد بازار این بی‌عدالتی‌ها را افزایش داده است. گفتنی است که نابرابریها تنها میان کشورهای شمال و جنوب نیست بلکه در درون کشورها چه کشورهای شمال و چه کشورهای جنوب نیز وجود دارد و رو به افزایش است. در درون کشورها، میان مناطق گوناگون و همچنین میان شهرها و روستاها اختلافهای چشمگیر در زمینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دیده می‌شود که مشکلات بسیار همچون توسعه نامتوازن منطقه‌ای و تنش‌های گسترده به بار آورده است.

روشن است که آثار این فرایند در همه کشورهای یکسان نیست به گونه‌ای که کشورهای توسعه یافته به علت توسعه ساختارهای اقتصاد داخلی و قرار داشتن در بطن اقتصاد جهان سرمایه‌داری، کارکرد منطقه‌ای و همچنین کنترل فرایند مشارکت در این عرصه با مشکلات کمتری روبه‌رو هستند. در برابر، حضور کشورهای توسعه نیافته در این فرایند، ناآگاهانه و غیر ارادی بوده که این روند همچنان ادامه دارد و نتیجه آن افزایش شکاف میان شمال و جنوب است. گذشته از این، با گسترش و توسعه تکنولوژی حمل و نقل و ارتباطات، از نابرابریهای شهری - روستایی و منطقه‌ای در کشورهای توسعه یافته کاسته شده است، به گونه‌ای که شهرگریزی

جهانی شدن عبارت از فرایندی از نابرابری‌ها، با توزیع نابرابر سودها و زیانهاست که این نابرابری و نبود توازن، به قطب بندی کشورهای ثروتمند و کشورهای فقیر از یک سو و گروههای ثروتمند و فقیر در درون جوامع از سوی دیگر انجامیده است. بر پایه گزارشهای تجارت و توسعه سازمان ملل در ۱۹۹۷، روندهای نابرابری، از پیدایش نیروهای برخاسته از آزادسازی شتابان مایه می‌گیرد. این روندها عبارت است از:

- نابرابری فزاینده دستمزدها چه در شمال و چه در جنوب میان کارگران ماهر و غیر ماهر؛
- سود بالای نیروی سرمایه در سنجش با نیروی کار؛
- پیدایش یک طبقه رانت خوار در سایه آزادسازی مالی؛
- منافع ناشی از آزادسازی بهای فرآورده‌های کشاورزی که سود آن بیشتر به بازرگانان رسیده است تا کشاورزان.

امروزی نبوده است. نتایج سرشمارها در سالهای ۳۵ و ۴۵ به روشنی گویای این مطلب است. امروزه شاخص‌هایی مانند آموزش، بهداشت، صنعت و... در تهران و اصفهان به هیچ‌رو قابل مقایسه با استانهایی مانند ایلام یا سیستان و بلوچستان نیست در صورتی که در گذشته تفاوتها چنین برجسته نبوده است. گذشته از این، در یکی دو دهه اخیر در

۶. شکویی، حسین، ۱۳۷۷، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، سمت
۷. فصیحی، محمد، ۱۳۸۱، «جهانی شدن و شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه»، پایان‌نامه برای دریافت دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان
۸. علیقلیان، عبدالاحد، ۱۳۸۴، جهانی شدن منصفانه، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۹. کیلی، ری و فیل مارفلت، ۱۳۸۰، جهانی شدن و جهان سوم، ترجمه حسن نورایی بیدخت و محمد شیخ علیان، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
۱۰. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۴، چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلالی‌پور، انتشارات طرح نو
۱۱. مانلار، آرمان، ۱۳۸۳، «دیرینه‌شناسی عصر جهانی؛ پی‌ریزی یک باور»، ترجمه جواد گنجی، لرغون، ۲۴
۱۲. ماگنوم، واترز، ۱۳۷۹، جهانی شدن، اسماعیل مردانی گیوی، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی
۱۳. مردانی گیوی، اسماعیل، ۱۳۸۰، «جهانی شدن نظریه‌ها و رویکردها»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۶۸-۶۷
۱۴. هال، کس، و دیگران، ۱۳۸۲، روندهای اخیر جهانی شدن و آلترناتیوهای آن، ترجمه هما احمدزاده و احمد جواهریان، انتشارات پژوهنده
۱۵. هایت، کلاودیا و دیگران، ۱۳۸۳، جهانی شدن و جنگ، ترجمه لطفعلی سمینو، نشر اختران
16. Scholt. Art Jan (2000), *Globalization, A Critical Introduction*, St. Martin Press, inc. USA

بیش از گذشته در این کشورها دیده می‌شود و هر روز بسیاری از باشندگانِ متروپلیتن‌ها و شهرهای بزرگ روانه مناطق روستایی می‌شوند؛ در صورتی که در کشورهای جنوب عکس این مطلب صادق است. حال پرسشی که در اینجا مطرح است و می‌تواند برای پژوهش‌های بعدی نیز رهگشا باشد این است که کشورهای باصطلاح جنوب برای ورود آگاهانه به این عرصه چه تدابیری بیندیشند تا به سلامت به سر منزل مقصود برسند.

*- منظور کشورهای توسعه یافته یا صنعتی است.

** - منظور کشورهای رو به توسعه یا باصطلاح جهان سوم است.

منابع و مآخذ:

۱. آرت شولت، یان، ۱۳۸۲، نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۲. باقریان محمد، ۱۳۸۳، چالش‌های اساسی توسعه ملی و روندهای جهانی، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی
۳. خور، مارتین، ۱۳۸۳، جهانی شدن و جنوب، ترجمه احمد ساعی، نشر قومس
۴. سوئیزی، پل، ۱۳۸۰، جهانی شدن با کدام هدف، ترجمه ناصر زرافشان، انتشارات آگه
۵. شکویی، حسین، ۱۳۸۱، نگرش‌های نو در فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتاشناسی